



دانشگاه پیام نور
مرکز تهران
دانشکده علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد

موضوع

بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی نهج البلاغه با کشف المحجوب، رساله قشیریه و مصباح الهدایه

استاد راهنما
دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور
دکتر علی اصغر بوند شهریاری

نگارش
فاطمه نوریان

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

• روح پاک شهدا از زمان حضرت آدم تا خاتم و از خاتم تا به امروز

که چراغ راه بشریت شدند تا به ما شیوه زندگی و زنده ماندن را

بیاموزند.

• روح مادر عزیزم که همواره مشوق من در کسب علم و دانش بود.

• روح برادر مهربانم سردار شهید حاج محمود نوریان .

• آنان که به من آموختند.

سپاسگزاری

سپاس خداوند متعال را که توفیق این پژوهش در کارشناسی ارشد را به من عنایت فرمود.

سپاس از استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر کوپا که با رهنمود های ارزنده، حکیمانه، عارفانه، همراه با صبر و شکیبایی این تحقیق را یاری نمودند.

سپاس از استاد مشاور جناب آقای دکتر بوند شهریاری که از مشاوره دلسوزانه ایشان بهره مند شدم.

سپاس از جناب آقای دکتر درودگریان که زحمت داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند

سپاس از پدر عزیز و مهربانم که همواره مدیون محبت های بیدریغ و بزرگواری ایشان هستم.

سپاس از همسر گرامی و مهربانم جناب آقای دکتر حمید رضا آقابزرگ که با حمایت های مشفقانه و تجربیات علمی خود، در انجام این پژوهش مرا همراهی نمودند.

سپاس و قدردانی از فرزندان عزیزم و همه عزیزانی که در انجام این پروژه تحقیقاتی به نوعی مرا یاری دادند.

وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِّنَ الْفِتَنِ، وَتُورًا مِّنَ الظُّلَمِ، وَيُخَلِّدَهُ فِيهَا
أَشْتَهَتْ نَفْسُهُ، وَيُنزِلُ مَنزِلَةَ الْكِرَامَةِ عِنْدَهُ، فِي دَارِ اصْطِنَاعِهَا لِنَفْسِهِ: ظِلُّهَا عَرْشُهُ، وَتُورُهَا
بِهَجَّتُهُ، وَزُورُهَا مَلَائِكَتُهُ، وَرُفَقَاؤُهَا رُسُلُهُ (خطبه ۱۸۲/فیض / ص ۵۹۳).

"نیک دریابید و بی گمان بدانید که هرکس خدای را پروا گیرد، بدون شک خدا از میان
آشوب ها و فتنه های گمراه کننده راهی برای بیرون رفتن و بازیافتن حق در برابرش می
گشاید، و در میان تاریکی های روزگار و در شبستان تیره ی نابسامانی ها نوری راهنما
برایش می فرستد که بدان وسیله حق را از میان باطل تشخیص می دهد و گرفتار اشتباه
نمی گردد (علی « ابن ابیطالب علیه السلام » ، ۱۳۵۴: ج. ۷ ، ۲۲ مقدمه)." "

چکیده

عرفان به معنای شناخت و رسیدن به حقیقت است. به بیان دیگر، موضوع اصلی آن شناخت خدا است که عارفان با مکاشفه های الهی به آن دست می یابند. عرفان می تواند تصوف را نیز شامل شود که در این صورت نسبت بین عرفان و تصوف از نظر منطقی عموم و خصوص من وجه است.

از جمله عارفان عالم حضرت علی علیه السلام است که می فرماید: هیچ شیء را ندیدم مگر این که خدا را قبل از آن، با آن و پس از آن دیدم. گنجینه نفیس نهج البلاغه در بر گیرنده جلوه های عرفان است که برای بررسی عمیق آن، نیاز است پژوهش های گسترده ای انجام شود.

تاکنون پژوهش هایی در زمینه بررسی تطبیقی نگرش های عارفانه و صوفیانه در مفاهیم و اصطلاحات

عرفانی مختلف انجام گرفته است. اما در این پژوهش بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی نهج البلاغه با کتاب های کشف المحجوب، رساله قشیریه و مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه انجام شده است. در این بررسی با بهره گیری از کتاب مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه که شامل ده باب است، به طور نسبی از هر باب یک واژه شامل علم، معرفت، محبت، زهد، قناعت، توکل، توحید، ولایت، توبه و آداب صحبت بر گزیده شد. این مطالعات نشان داد که عرفان از دید نهج البلاغه همراه با کسب علم و معرفت است، از طرفی تلاش برای رفع نیازهای مادی و دنیوی البته با رعایت قناعت منافاتی با عرفان ندارد. این درحالی است که در سه اثر عرفانی دیگر تاکید بر سرکوب نیازهای مادی برای دستیابی به جلوه های عرفانی است.

کلید واژه ها: بررسی تطبیقی، اصطلاحات عرفانی، نهج البلاغه، رساله قشیریه، کشف المحجوب.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲۶	فصل اول توبه
۲۷	۱-۱ معنای توبه در مفردات راغب
۲۸	۲-۱ توبه در شرع
۲۹	۳-۱ معنای توبه در لغت نامه دهخدا
۳۱	۴-۱ توبه در نهج البلاغه
۳۳	۵-۱ باب توبه در رساله قشیریه
۳۷	۶-۱ توبه در کشف المحجوب
۴۰	۷-۱ توبه در مصباح الهدایه
۴۵	فصل دوم زهد
۴۶	۱-۲ مقدمه
۴۷	۲-۲ زهد در کتاب مفردات راغب اصفهانی
۴۷	۳-۲ ریشه زهد در قرآن
۴۹	۴-۲ زهد در لغت نامه دهخدا
۵۲	۵-۲ در فضیلت و ستایش زهد قبل از اسلام
۵۲	۶-۲ زهد در نهج البلاغه
۶۰	۷-۲ زهد در رساله قشیریه
۶۲	۸-۲ زهد در کتاب کشف المحجوب
۶۳	۹-۲ زهد در کتاب مصباح الهدایه

صفحه	عنوان
۶۳	۱۰-۲ تعریف زهد از نظر بزرگان
۶۷	۱۱-۲ تفاوت زهد اسلامی با رهبانیت مسیحی
۶۹	۱۲-۲ درجات زهد
۶۹	۱۳-۲ آثار زهد
۷۰	۱۴-۲ زهد و آسایش
۷۲	فصل سوم توکل
۷۳	۱-۳ توکل در مفردات راغب اصفهانی
۷۵	۲-۳ توکل در لغت نامه دهخدا
۷۶	۳-۳ توکل در قرآن
۸۲	۴-۳ توکل در نهج البلاغه
۸۴	۵-۳ توکل در رساله قشیریه
۸۵	۶-۳ سخنانی چند از توکل کننده ها
۸۷	۷-۳ توکل در مصباح الهدایه
۹۰	۸-۳ توکل در کشف المحجوب
۹۳	فصل چهارم قناعت
۹۵	۱-۴ واژه قناعت در مفردات (راغب اصفهانی)
۹۷	۲-۴ قناعت در لغت نامه دهخدا
۹۸	۳-۴ قناعت در قرآن
۹۸	۴-۴ قناعت در نهج البلاغه

صفحه	عنه ان
۱۰۱	۵-۴ قناعت در مصباح الهدايه
۱۰۲	۶-۴ زندگي پاكيزه در گرو چيست؟
۱۰۶	۷-۴ حيات طيبه چيست؟
۱۰۶	۸-۴ نتيجه گيري
۱۰۸	فصل پنجم توحيد
۱۰۹	۱-۵ توحيد در لغت نامه دهخدا
۱۱۰	۲-۵ توحيد در قرآن
۱۱۲	۳-۵ توحيد در نهج البلاغه
۱۱۷	۴-۵ توحيد در رساله قشيريّه
۱۲۰	۵-۵ توحيد در كشف المحجوب
۱۲۴	۶-۵ توحيد در مصباح الهدايه
۱۳۷	۷-۵ توحيد در اديان ابراهيمي
۱۳۱	فصل ششم معرفت
۱۳۲	۱-۶ تعريف معرفت
۱۳۳	۲-۶ معنای عرفان در لغت نامه دهخدا
۱۳۶	۳-۶ عرفان و عشق
۱۳۷	۴-۶ نشانه های عارف
۱۳۸	۵-۶ اقسام عرفان و موضوع آن
۱۴۰	۶-۶ هدف از عرفان
۱۴۲	۷-۶ سر چشمه عرفان

صفحه	عنوان
۱۴۲	۶-۸ عرفان و معرفت از دیدگاه علی بن ابراهیم علیه السلام در نهج البلاغه
۱۴۵	۶-۹ معرفت در رساله کشمیری
۱۴۷	۶-۱۰ معرفت در مصباح الهدایه
۱۵۱	۶-۱۱ عشق و عرفان در ادیان
۱۵۳	۶-۱۲ عشق در ادیان هند
۱۵۴	۶-۱۳ طریقت مهر
۱۵۵	۶-۱۴ عشق و عرفان در آئین زرتشت
۱۵۶	۶-۱۵ پیشکسوتان عرفان در اسلام
۱۵۷	۶-۱۶ سرچشمه عرفان در ایران و پیشروان بعد از آمدن اسلام
۱۵۸	۶-۱۷ اساس حکمت اشراق
۱۶۱	۶-۱۸ نتیجه گیری
۱۶۳	فصل هفتم محبت
۱۶۵	۷-۱ معنای واژه محبت در مفردات راغب اصفهانی
۱۶۶	۷-۲ محبت در قرآن مجید
۱۶۷	۷-۳ محبت در لغت نامه دهخدا
۱۶۸	۷-۴ چگونگی شروع عشق
۱۷۰	۷-۵ ابن سینا برای عشق پنج مرحله در نظر می گیرد
۱۷۲	۷-۶ شناختن عاشق حقیقی چندین علامت دارد
۱۷۳	۷-۷ تفاوت محبت و سبعت و بهیمیت
۱۷۵	۷-۸ راههای محبوب شدن در نزد خداوند در قرآن

صفحه	عنه ان
۱۷۶	۷-۹ طرد شدن افراد در قرآن
۱۷۸	۷-۱۰ محبت در نهج البلاغه
۱۸۴	۷-۱۱ محبت در مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه
۱۸۴	۷-۱۲ محبت در رساله قشیریه
۱۸۷	۷-۱۳ محبت از دیدگاه کشف المحجوب
۱۸۹	۷-۱۴ معنای محبت در نگاه علماء
۱۹۰	۷-۱۵ اقسام محبت در میان خلق
۱۹۲	۷-۱۶ محبت از نظر حضرت عیسی (ع)
۱۹۴	فصل هشتم ولایت
۱۹۵	۸-۱ معنای ولایت در لغت نامه دهخدا
۲۰۳	۸-۲ شرایط ولی در رساله قشیریه
۲۰۴	۸-۳ اختلاف در با خبر بودن ولی از ولایت خود
۲۰۴	۸-۴ صفات ولی
۲۰۶	۸-۵ ولایت در کشف الحجوب
۲۱۰	فصل نهم آداب صحبت
۲۱۱	۹-۱ صحبت در قرآن
۲۱۱	۹-۲ محاوره در مفردات راغب
۲۱۳	۹-۳ کلام در لغت نامه دهخدا

صفحه	عنه ان
۲۱۴	۹-۴ آداب صحبت در نهج البلاغه
۲۲۲	۹-۵ آداب صحبت در رساله قشیریه
۲۲۳	۹-۶ آداب صحبت در کتاب مصباح الهدایه
۲۳۱	۹-۷ آداب صحبت کردن در کشف المحجوب
۲۳۵	فصل دهم علم
۲۳۶	۱-۱۰ معنای علم
۲۳۸	۱۰-۲ علم در مفردات راغب اصفهانی
۲۴۰	۱۰-۳ معنای علم در لغت نامه دهخدا
۲۴۲	۱۰-۴ تفاوت علم و معرفت
۲۴۲	۱۰-۵ تفاوت علم و حس
۲۴۵	۱۰-۶ علم در رساله قشیریه
۲۴۵	۱۰-۷ علم در کشف المحجوب
۲۴۷	۱۰-۸ علم در مصباح الهدایه
۲۴۹	۱۰-۹ ارزش علم
۲۵۰	۱۰-۱۰ اقسام علم
۲۵۳	۱۰-۱۱ لزوم و وجوب آموختن علم
۲۵۳	۱۰-۱۲ ارزش دانشمندان الهی
۲۵۶	۱۰-۱۳ هم نشینی و همدمی با علماء
۲۵۶	۱۰-۱۴ حق عالم
۲۵۸	۱۰-۱۵ حق دانشجو

۲۶۰

نتیجه گیری

۲۶۶

منابع

۲۷۴

چکیده انگلیسی

مقدمه

باورهای عرفانی و تجارب روحانی ناشی از آن به عنوان حادثه ای شگرف در حیات معنوی آدمی است که به دلیل تعالی و تقدس خاص خود نیازمند زبان و بیانی ویژه است تا از طریق نمادها و نشانه ها، تفکر آدمی را برانگیزد و او را در مسیر رفتن به قله های رفیع مکاشفه و شهود رهنما شود. یکی از ابزارهای موثر در این راستا بهره گیری از اصطلاحات عرفانی است که در ایجاد ارتباط موثر مخاطب با این مفاهیم متعالی از توانی خاص برخوردار است.

عرفان در لغت به معنای شناخت و رسیدن به حقیقت است که از طریق کشف و شهود (سیر و سلوک) به وسیله مجاهده، تزکیه، تهذیب نفس (پاک نمودن باطن) و صفای روح به دست می آید.

عرفان در اصطلاح، به معنای علمی از علوم الهی است که موضوع اصلی آن شناخت خداست البتّه نه از طریق دلیل و برهان، بلکه با افاضه های الهی و مکاشفه های ربانی که برای عارف پدید می آید (صفا، ۱۳۷۱: ۲۲). اصل عرفان از کلمه "عرفت" به معنای آن است که بوی آن را استشمام کردم، ولی به خود آن نرسیدم، است (فرهنگ معین). عرفان مفهوم عام کلی تری نیز دارد که شامل تصوف نیز می شود. بنا بر عقیده عده ای از محققان عرفان و تصوف ریشه در مذاهب قبل و آئین پیشینیان چون هندوان، یونانیان، یهودیان، مسیحیان و ایرانیان دارد. البته تفاوت های بسیار بین فرقه ها وجود دارد، گرچه نمی توان عرفان و تصوف اسلامی را بر گرفته از آئین هایی چون بودائی، یهودی، مسیحی و یا یونانی دانست اما باید به این مسئله توجه داشت که تفکر و سیر و سلوک آئین های دیگر بر عرفان اسلامی تاثیر گذار بوده است (یوسفی، ۱۳۸۵: مقدمه).

عده ای از محققان در این مسئله پافشاری کرده اند که برای تصوف ریشه ای غیر از اسلام و سنت بیابند. کسانی چون (Hartman) که نفوذ اندیشه هندی، فون کرمر (Von Kermer) که نفوذ و تاثیر تفکر بودائی و هندی که مظهر کامل آن را جنید و بایزید می داند و همچنین مظهر تفکر مسیحی را در رهبانیت مسیحی عرفانی چون ذوالنون مصری و حارث محاسبی می داند. سالوس (Tholuck) و دوزی (Dozy) که اساس عمده در این مسئله را آئین مجوس می دانند. آسن پلاسیوس (Asin Palacios) و ونسینک (Wensink) و تورآندرا (Tor Andrae) تاثیر عقاید مسیح می دانند. ماکس هورتن (Maxhorten) تاثیر آثار هندوان، به ویژه در سخنان حلاج و بایزید و جنید و محققانی چون ادوارد برون (E. G. Brown) و نیکلسون (Nicholson) نیز تاثیر عقاید فلسفی و نوافلاطونی را متذکر شده اند. بلوشه (Blochet) و کار دوو (Carn deveau) نیز عقاید ایرانی را در تصوف یاد آور می شوند (یوسفی، ۱۳۸۵: مقدمه).

در تشابهات اندیشه، اندیشه های مثل تجرد، توکل، زهد، گوشه نشینی، بریدن از همه تعلقات را می توان در سیر و اندیشه عرفان راهبان مسیحی یافت و یا فقر و سیاحت و مقامات را در نزد بودائیان پیدا کرد. به طور مثال عارف شدن ابراهیم ادهم داستان بودا را به خاطر می آورد (تصوف و تشیع ص ۱۴).

لفظ صوفی در زمان پیامبر مرسوم نبوده اگر چه که صحابه به، زهد، عبادت، کرم و... مشهور بودند. اما به آن ها صوفی نمی گفتند و بالاترین افتخار آن ها همنشینی و هم صحبتی با پیامبر اکرم بود (ارزش میراث صوفیه: ۳۹). یوگنی ادوارد ویچ برتلس در کتاب تصوف و ادبیات تصوف، عناصر و اصول نظری تصوف را در قرن سوم تا ششم هجری از سه نظر بررسی می کند

۱- نظریات روانکاوانه. ۲- عناصر ادراک و معرفت. ۳- بود شناسی که همان هستی شناسی و مبدأ و معاد شناسی است (یوگنی، ۱۳۷۶: ۴۶-۳۹). در قسمت اول، نظریات روانکاوانه را در سه حیطه شریعت، طریقت و حقیقت بررسی می کند. طریقت واژه ای است که در قرن سوم هجری مرسوم شد و طریقت شیوه ای است که به تصفیه و تزکیه و تکامل نفس سالک منتهی می شود و در نهایت منجر به مقامات و منازل می شود که به ترتیب عبارتند از: توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا. در اینجا پس از طی این مقامات دوره طریقت به پایان می رسد. البته در حین مقامات حالتی گذرا بر روان و درون سالک اثر می گذارد که به آن "حال" می گویند. حالات به ترتیب عبارتند از: قرب، محبت، خوف، رجا، شوق، طمأنینه، مشاهده یقین، فنا و بقا (یوسفی، ۱۳۸۵: مقدمه) در این روش بزرگان این طریقت بیشتر برذوق، شهود و مکاشفات روحانی تکیه دارند تا بر عقل و استدلال. این روش در زمان پیامبر اسلام (ص) به اسم زهد و در زمان صحابه و سپس تابعین و پس از آن به تعبیر تصوف و بعد از آن عرفان نامیده شد. نسبت بین عرفان و تصوف از نظر منطقی عموم و خصوص من وجه است. یعنی ممکن است شخصی عارف باشد ولی صوفی نباشد، و همچنین ممکن است صوفی باشد ولی عارف نباشد، و یا این که عارف و صوفی در یک شخص جمع شده باشد.

به طور کلی، سرچشمه عرفان خداست. اوست که این حالت را به صورت "بالقوه" در جان و دل آدمی قرار داده است و به همین خاطر پیامبران و هادیان راه را فرستاد، تا حالت "بالقوه" انسانی را به صورت "بالفعل" در بیاورند. پس انبیاء و امامان پیشتازان عرفان هستند و هیچ کس مانند آن ها نتوانسته به مرحله قرب برسد و همان ها بودند که با کوشش و مجاهده در راه حق به مقام نبوت و

امامت نائل شدند و همه انسان ها را با نور حق آشنا، دل و جان آن ها را منور و روشن کنند
(انصاریان، ۱۳۶۸: ۳-۵).

علم عرفان، شناخت، کشف و کشش معنوی است، زیرا عارف با عشق به خدا به کار و عبادت و تصفیه نفس می پردازد و به درجه عین الیقین می رسد که در تمام کارها جز خدا چیزی نمی بیند. به این جهت با تمام وجود و با عشق، از این که کار و تلاش و فعالیت می کند لذت می برد و همه این ها را جز، عبادت می داند. برای او فرقی نمی کند که کار را برای چه کسی انجام می دهد. او با توجه و شناختی که از خداوند دارد. کارش را به نحو احسن انجام می دهد.

به عبارت دیگر می توان گفت: رابطه عرفان و شناخت از جهت منطقی عام و خاص مطلق است. یعنی هر عرفانی شناخت هست، ولی هر شناختی عرفان نیست. واژه عرفات نیز در ارتباط با همین معناست. (عرفات محلی در مکه) گفته شده: وجه نامگذاری "عرفات" به خاطر این است، که آدم و حوا در این منطقه یکدیگر را شناختند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ج. ۲: ۷۹۵). به طور کلی هدف و مقصود از عرفان عملی رسیدن به قرب الهی، در راستای آن، عبادت، پرهیزگاری و زهد است. یعنی عارف خدا را برای اجر و مزد و ثواب و یا از روی ترس، عبادت نمی کند، بلکه او را شایسته عبادت می بیند.

از جمله عارفان عالم مولای متقیان علی علیه السلام است که می فرماید: " مَا رَأَيْتُ شَيْئاً أَلَّا وَ رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ مَعَهُ وَ بَعْدَهُ. " هیچ شیء ای را ندیدم، مگر اینکه، خدا را، قبل از آن، با آن، و بعد از آن دیدم. به این عرفان، "عرفان فنا" می گویند. همچنین پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند که " لَا تَلَوْا عَلِيًّا فَإِنَّهُ مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ. " علی را ملامت نکنید، زیرا که او فانی در خداست.

در جایی دیگر علی علیه السلام در راز و نیاز با خداوند متعال می فرماید: "مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ لَأَكِنَّ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ." ترا برای ترس از جهنم عبادت نمی کنم و نه به طمع بهشت، بلکه ترا سزاوار عبادت می بینم.

به طور کلی می توان گفت عرفان ثمره، بذر و دانه ای است که به خواست خداوند و به همت بلند سالک به بار می نشیند و بذر و دانه عرفان همان زهد است. البته نه زهد افراطی بلکه زیر نظر پیر و مرشد (این افراد خودشان ریزه خوار ولایت ائمه اطهار هستند) و همچنین با آموزش و تربیت و تحمّل گرسنگی مثل روزه، و شب زنده داری همراه با عبادت عاشقانه خداوند، به معرفت می رسند.

در این میان نهج البلاغه (با عنایت به مفاهیم متعالی آن) یکی از منابع غنی عرفان اسلامی است که می تواند به عنوان منبعی پایه ای با دیگر آثار عرفانی مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد. تاکنون پژوهش های تحلیلی در زمینه های نقد و بررسی نگرش عارفانه صوفیانه در مفاهیم و اصطلاحات عرفانی بر پایه کشف المحجوب، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه و رساله قشیریه و... انجام گرفته است (یوسفی، ۱۳۸۵ و عفت نادری نژاد، ۱۳۸۸)، اما بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی نهج البلاغه با کتاب های مورد نظر انجام نشده است. بنابراین، انجام پژوهشی جامع و در خور در این زمینه ضروری به نظر می رسد. از این رو، در این پژوهش بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی نهج البلاغه با کتاب های کشف المحجوب، رساله قشیریه و مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه انجام شده است. در این بررسی با بهره گیری از کتاب مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه که شامل ده باب است، به طور نسبی از هر باب یک واژه، انتخاب شد که شامل: توبه، زهد، توکل، قناعت،

توحید، معرفت، محبت، ولایت، آداب صحبت و علم، است، که توبه در باب بیان مقامات، زهد در باب بیان مقامات، توکل در باب بیان مقامات، قناعت در باب بیان اخلاق، توحید در باب بیان اعتقادات متصوفه، معرفت در باب معارف، محبت در باب بیان احوال، ولایت در باب مستحسانات، آداب صحبت از باب آداب و علم در باب بیان علوم بر گزیده شد. دلیل انتخاب کتاب مصباح الهدایه، این بود که بعضی از واژه های انتخابی در کتاب کشف المحجوب و یا در رساله قشیریه به صورت فصل جداگانه ای نیامده است. برای مثال واژه "علم" در رساله قشیریه نیست. زیرا بعضی از صوفیان از جمله استاد قشیری عمل خود را بر پایه مجاهده و تزکیه درون قرار داده بودند و به مرحله کشف و شهود معتقد بودند. که اشیا را کما هی، باید مشاهده کرد و بر اساس کشف و مشاهده، اعمال سمت و سویی خواهد گرفت. در این زمینه اگر چه بعضی از بزرگان تصوف، شریعت را شالوده ی طریقت و حقیقت می دانستند اما چون یک نوع استقلال طریقتی جدای از فرمان و روش ظواهر شریعت داشتند، متشرعین آنان را از خود می رانند. بزرگانی از آن ها، علم را حجاب اکبر و حتی شهوت می نامیدند، و آن را گمراه و ناقض در معرفت می شمردند صوفیانی چون مولوی یا ابوسعید ابوالخیر که قائل بودند علم حجاب اکبر است و برای رسیدن به حقیقت باید صفحه دل را پاک کرد و صیقل داد.

دفتر صوفی سواد و حرف نیست جز دل اسپید همچون برف نیست (مولوی، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

صوفیانی نیز بودند که دستورشان به مریدان ترک علم و درس و جدا شدن از این علوم رسمی بود. البته دستور صوفیان ترک علم و درس نبود بلکه بسنده نکردن به علم صوری و گذشتن از این مرحله و رسیدن به مراحل بالاتر بود. آنان معتقد بودن که غیر از این تعالیم ظاهری شریعت،